

تأملی بر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه

محمد جعفر ساعد*

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۷ زمستان ۱۳۸۶

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر، از فرایض دینی و نهادهای حقوقی اسلامی است که به صورت همراه و همزاد یکدیگر استعمال و تأکید شده‌اند. در واقع؛ این نهاد، متشکل از دو بُعد رفتاری است که اقتران عملی داشته و هدف مشترکی را که همانا تنقیح و پالایش رفتارهای عمومی و تحکیم آنها بر پایه ارزشهای اجتماعی و اسلامی و عدم دستیازی به نقض این ارزشها از طریق سیستم خودپایش یا نظارت همگانی است، دنبال و تعقیب می‌کنند. کارکرد پیشگیرانه این نهاد در رابطه با عدم تخطی از هنجارهای کیفری، اجتماعی و اخلاقی - دینی، مهم‌ترین بخش و بافت آن را تشکیل می‌دهد که از منظر حقوق پیشگیری و جرم‌شناسی پیشگیرانه، به مثابه ابزاری در راستای پیشگیری اجتماعی به شمار می‌آید. این جستار، با تمرکز بر مقوله امر به معروف و نهی از منکر به منزله رهگذری پیشگیرانه از وقوع هرگونه بزه در فرایند اجتماعی، به دنبال تبیین جایگاه پیشگیرانه آن و توضیح نقش نخستین این مقوله در پیدایی و پدیداری آن می‌باشد.

واژگان کلیدی

امر به معروف، نهی از منکر، بسیج، پیشگیری از جرم، جرم‌شناسی پیشگیرانه.

*. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر یکی از نهادهای اجتماعی-اسلامی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مثابه ابزاری نیرومند به لحاظ نرم افزاری - نه سخت افزاری- از جایگاه قابل ملاحظه‌ای در راستای جهت دادن تابعان اجتماعی کشورمان و به ویژه گرایش به معروفات و عدم دستیازی به منکرات در فرایند اجتماعی برخوردار گردید. از این رو، همواره این سازه اسلامی بازویی وزین در فرهنگ سازی ایرانی-اسلامی به شمار آمده و در پرتو تعالیم و موازین مسلم اسلامی که تمامی گستره‌های اجتماعی را تحت پوشش قرار داده، توانسته است شالوده‌های دین مبین اسلام را از رهگذر امر به نیکی و خیر و نهی از منکر و بدی به تصویر بکشد.

فارغ از اینکه این مقوله امر و نهی، به عنوان قاعده و اصل در نظام اسلامی به مفهوم اعم و نظام حقوق اسلامی در معنای اخص بوده و هست، این نهاد به منزله ابزاری پیشگیرانه در دنیای علوم جنایی و به ویژه جرم شناسی نیز قلمداد می‌شود که به موجب آن، همان گونه که می‌تواند افراد جامعه را از ارتکاب هرگونه گناه بازدارد، می‌تواند در قبال دستیازی تابعان اجتماعی به وقوع جرم نیز نقشی پیشگیرانه ایفا کند. با این توضیح که، چون در نظام جمهوری اسلامی دیانت ما عین سیاست ماست و بالعکس، لذا هر آنچه ناقض ارزشها و هنجارهای بنیادین اسلامی باشد، واجد وصف کیفری است. لذا تا حدودی مفهوم - و البته نه گستره- گناه و جرم به هم نزدیک شده و از این منظر، هرگونه اقدام و تدبیری در راستای مبادرت نوزیدن افراد جامعه به نقض ارزشها و هنجارهای اسلامی که در قبال «نهی از منکر» نمود می‌یابد، به نوعی اقدام و تدبیر پیشگیرانه در قبال جرم در فرایند اجتماعی است.

از سوی دیگر، در دنیای علوم جنایی، جرم پدیده‌ای است که شخص بدون عنایت به فرامین قانونی، اوامر و نواهی مقنن کیفری را که واجد وصف کیفری هستند نقض می‌کند و بدین واسطه، مشمول کیفر مقرر برای آن می‌گردد. در این راستا، از آنجا که چنین پدیده‌ای نظم اجتماع را مختل می‌سازد، نظامهای اجتماعی برای مقابله همه جانبه و در واقع کنترل این واقعه مجرمانه، علاوه بر توسل به ضمانت اجراهای کیفری، به تدابیری در خارج از نظام حقوق کیفری متوسل می‌گردند تا به این مهم دست یابند. از این رو، در

کنار مجازات‌ها، اقداماتی اتخاذ می‌شود که با تمهید زمینه‌هایی بنیادین مانع از تحقق جرم می‌گردد. جرم‌شناسی پیشگیرانه در زمره شاخه‌های علوم جنایی است که این مقوله را دنبال می‌کند و با بهره‌گیری از اقدامات کنشی و غیر کیفری قبل از وقوع بزه سعی دارد به نوعی ریشه‌های جرم را در جامعه بخشکاند یا حداقل میزان ارتکاب آن را کاهش دهد.

از جمله ابزارهای این گونه جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی است که از رهگذر آموزش و پرورش و در واقع با فرهنگ سازی در صدد مقابله با پدیده مجرمانه بر می‌آید. از آنجا که مقوله امر به معروف و نهی از منکر نیز سعی دارد از طریق آموزش و فرهنگ سازی در روند جامعه، بازیگران سناریوی اجتماعی را به سویی سوق دهد که اعتلای جامعه را به دنبال داشته باشد، یکی از ابزارهای وزین پیشگیری اجتماعی در گستره جرم‌شناسی پیشگیرانه به شمار می‌آید که موضوع نخستین این نوشتار است.

در واقع، مراد و مقصود اولیه این جستار، تأکید و توضیح جایگاه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ابزاری پیشگیرانه از جرم در جامعه ایرانی - اسلامی است که مطابق برخی از آموزه‌های نوین پیشگیرانه از جرم در روزگار ماست. از این رو، در کنار تعقیب اهداف ایدئولوژیک، دارای کارویژه‌های علمی در دنیای علوم جنایی است که می‌بایست در عرض سایر کارویژه‌های آن، این مقوله نیز مورد تأکید واقع شود و به منزله نخستین کارکرد آن مورد امعان نظر قرار گیرد؛ چرا که در تأثیر قابل ملاحظه آن در جلوگیری از وقوع جرم نمی‌توان تردید داشت.

با این توصیف و مراد، این نوشتار ضمن گزینش عنوان تأملی بر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه، نخست، در راستای تبیین مقوله جرم‌شناسی پیشگیرانه که مسئله‌ای کاملاً تخصصی بوده و به منظور آشنایی جامعه در این باره به منزله ضرورتی گریزناپذیر، به تبیین جایگاه آن در علوم جنایی و نیز توضیح ارتباط آن با امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و در ادامه، امر به معروف و نهی از منکر را به منزله ابزاری پیشگیرانه در قلمرو پیشگیری اجتماعی مورد مذاقه و امعان نظر قرار می‌دهد.

بند نخست: تحلیل مفهوم شناختی و جایگاه جرم‌شناسی پیشگیرانه در علوم جنایی در این بند، کوشش می‌شود با عنایت به موضوع نوشتار که بر دو مقوله «امر به معروف و نهی از منکر» و «جرم‌شناسی پیشگیرانه» تکیه دارد، این دو گزینه مورد امعان نظر قرار گیرد و در ادامه، ارتباط آن دو به وضوح تبیین گردد.

الف) گستره معنایی جرم‌شناسی پیشگیرانه

مقوله جرم‌شناسی پیشگیرانه دربرگیرنده دو جزء «جرم‌شناسی» و «پیشگیری» است که هر یک در عرصه علوم جنایی ضمن ارتباط معنایی و گستره‌ای، حوزه خاصی را نشانه رفته و گونه‌های چندی را شامل می‌شوند. با این همه، به واسطه سیل مشترک نگاه آنها که بر عدم وقوع بزهکاری در فرایند اجتماعی متمرکز است، در یک وضعیت خاص در هم آمیخته و در راستای هدف اولیه و واحد خویش به مقابله با پدیده جنایی پرداخته و پیکار کنشی خود را آغاز می‌کنند.

علم جرم‌شناسی، مطالعه علمی یا علت‌شناسی وقوع بزه در دامن جامعه است. به دیگر سخن؛ جرم‌شناسی، علم شناخت پدیده مجرمانه؛ یعنی علل تکوین جرم و خصوصیات چگونگی ارتکاب جرم و دانش شناخت علل و عوامل ارتکاب و ماهیت جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰، ص ۸۸۴). در نتیجه، علاوه بر مطالعه ویژگی‌های پدیده مجرمانه و علل وقوع آن، رسالت توصیف و طبقه‌بندی پدیده مجرمانه را نیز بر عهده دارد. (همان، ۱۳۷۹، ص ۵۸۰)

پیشگیری به منزله یکی از سیاستها و تدابیر بنیادین در حوزه کنترل اجتماعی به شمار می‌آید که به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع بزه، انحراف و کژروی می‌پردازد (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۳). اگر چه در بادی امر، پیشگیری از جرم (Prevention of Crime/ Crime Prevention) گستره‌ای را در بر می‌گرفت که مرکز ثقل آن بر «عدم وقوع بزه مجدد» استوار بود، اما امروزه با بسط این مفهوم به مرحله پیش از فرایند مجرمانه رخداد جنایی و حتی اندیشه به فعل مجرمانه؛ یعنی وضعیتهای پیش

جنایی (Pre- criminal Situations) 'سعی می‌گردد تدابیر پیشگیرانه اتخاذی در قلمرو کنشی و واکنشی را در برگیرد.

با این توصیف، پیشگیری در قاموس ادبی به «دفع و جلوگیری» (Prevenir / to prevent)، «پیش دستی کردن» یا «آگاه کردن و هشدار دادن» تعبیر شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰) و در واژگان و نوشتگان علوم جنایی امروزی، مفهومی را به همراه دارد که در گستره‌ای فراگیر در برگیرنده مجموعه اقدامات کنشی و واکنشی در مقابله با بزه است. از آنجا که مسئله موصوف در وادی نظری و در واقع علوم انسانی است، ارائه تعریفی جامع و مانع نه تنها مقدور نیست، که روند پویای فرایند اجتماعی و حدوث رویدادها را در گستره اجتماعی ارائه مفهومی این چنین، ناممکن ساخته است. از این رو، بشر همواره با امید انجام این مهم به آینده و فرداها نظر می‌افکند. با این همه، نگرشها و تعاریف ارائه شده بر دو محور مضیق و موسع استوار است.

در این راستا، برخی از جرم‌شناسان با در نظر گرفتن معیارهای چهارگانه‌ای^۲ معتقدند که «پیشگیری در برگیرنده مجموع تدابیر سیاست جنایی - به استثنای تدابیر نظام کیفری - است که غایت انحصاری یا لاقط جریبی آن، تحدید امکان وقوع مجموع اقدام‌های مجرمانه از طریق غیر ممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آنهاست». (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، تقریرات مباحثی در علوم جنایی، ص ۷) موریس کوسن، جرم‌شناس پرآوازه کانادایی در این راستا، پیشگیری را تدابیر غیرقهرآمیز یا غیر سرکوبگری می‌داند که غایت آن، مهار بزهکاری یا کاهش امکان وقوع بزه است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶)

۱. وضعیتهای پیش جنایی یا ما قبل جنایی، مجموعه اوضاع و احوال پیش از تحقق بزه به شمار می‌آیند که سبب وقوع پدیده جنایی شده و برای شخص مرتکب ملموس و محسوس است. این نهاد شامل دو عنصر بنیادین است: نخست، واقعه یا یک رشته از وقایع که منجر به پیدایی و پایداری نقشه جنایی در ذهن مرتکب می‌گردد و دوم، اوضاع و احوالی که ارتکاب بزه را به همراه آورده است. (ر.ک. به: گسن، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳)

۲. معیارهای چهارگانه عبارتند از: اقدامی پیشگیرانه قلمداد می‌شود که هدف نخستین آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا انحرافات جرم‌گونه باشد؛ تدابیر پیشگیرانه جنبه جمعی دارند؛ زمانی که مقصود، پیشگیری از گزینش رفتارهای جنایی است، اقدامات پیشگیرانه زمانی بدین وصف متصف خواهند شد که قبل از تحقق بزه یا کژروی اعمال و اتخاذ شوند نه بعد از آن؛ اقدامی پیشگیرانه است که غیر سرکوبگر و سزاده باشد. (ر.ک. به: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵)

از سویی دیگر، متفکران روزگار ما با نگرشی موسّع به این مقوله، پیشگیری را در مفهومی کلان به کار برده و تمامی اقدامات غیر کیفری و تدابیر اتخاذی نظامهای عدالت کیفری را نیز در گستره پیشگیری قرار می‌دهند. برخی از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان کشورمان در این راستا و با این نگرش، پیشگیری را «پیش بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن» (میر محمد صادقی، بی‌تا، ص ۱۰۲) می‌دانند و آن را «مدیریت کردن خطر» (Crime Risk Management) تعبیر می‌کنند.

بنابراین، پیشگیری از جرم در دنیای علوم جنایی در صدد آن است که با توسل به ابزارهای قهر آمیز (واکنشی یا کیفری / Reaction-centrism) و غیر قهر آمیز (کنشی یا غیر کیفری) از مجرم شدن و بزه دیده شدن جلوگیری کرده و با دستکاری در وضعیتهای پیش جنایی، درصد احتمال وقوع بزه را به حداقل برساند. بدین ترتیب لایحه «پیشگیری از وقوع جرم»، نیز با چنین اندیشه‌ای تهیه شده و اشعار می‌دارد: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از: پیش‌بینی، شناسایی^۱ و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامهای لازم برای از میان بردن یا کاهش آن».

مفهوم جرم شناسی پیشگیرانه

جرم‌شناسی پیشگیرانه (Preventional Criminology)، شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است که موضوع آن مؤثرترین وسایل برای تأمین پیشگیری از جنایت در مقیاس کل جامعه یا یک جمعیت محدودتر مثلاً یک شهر یا ناحیه‌ای از یک شهر است. شناخت این شاخه از پیشگیری، اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا جلوگیری از تبهکاری، یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد مطالعه جهان امروز است.

جرم‌شناسی پیشگیرانه مانند جرم‌شناسی بالینی (Clinical Criminology) در ابتدای امر، بند ساده‌ای از جرم‌شناسی حقوقی (Legal criminology) بوده که بعداً و احتمالاً از آغاز سالهای

۱. برخی از اندیشمندان حقوق کیفری در خصوص واژه «شناسایی» مقرر در این تعریف، معتقدند که استفاده از این واژه در تعریف مزبور چندان صحیح نبوده و کلمه «شناخت» که از جنس معرفت بوده و علمی است، پویاتر می‌باشد. (ر.ک. به: میزگرد پیشگیری از جرم در حقوق کنونی ایران، ۱۳۸۳، ص ۳۱)

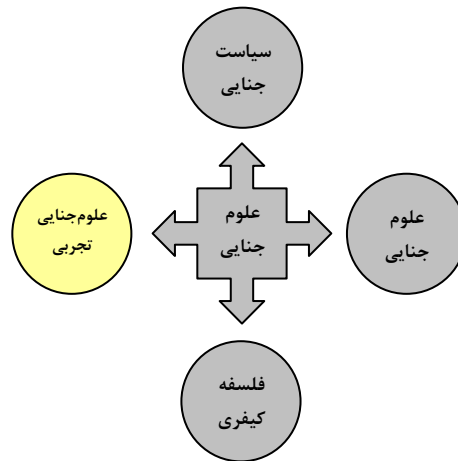
۱۹۳۰ میلادی و مسلماً از آغاز سالهای ۱۹۶۰ میلادی به تدریج وجود شاخه جدیدی از جرم‌شناسی کاربردی را پذیرفته و «جرم‌شناسی پیشگیرانه» نام گرفته است. (گسن، ۱۳۷۰، ص ۹۸)

بنابراین، جرم‌شناسی پیشگیرانه، مطالعه علمی کارایی و امکانات پیشگیری از بزهکاری است که ممکن است در سطح کشور، شهر یا محله باشد. در این جرم‌شناسی، ما در آستانه یا شرف ارتکاب جرم به منظور عقیم و متوقف کردن آن اقدام می‌کنیم. بدین ترتیب، پیشگیری و ارباب، ناشی از اجرای مجازات و استفاده از نظام کیفری مد نظر نیست، بلکه پیشگیری در این شاخه جرم‌شناختی، در کنار و عرض نظام کیفری قرار می‌گیرد (پیشگیری غیر کیفری)؛ یعنی پیشگیری از ارتکاب جرم قبل از بزهکاری. از جمله اهداف این پیشگیری، کمک به پیشگیری کیفری است؛ زیرا حقوق کیفری و تهدید به کیفر، علی‌رغم شدت و غلظت، نتوانسته است مانع از موج بزهکاری و وقوع آن شود.

علوم جنایی (Criminal Sciences) گستره‌ای کلی و وسیع است که دربرگیرنده چهار شاخه اصلی بوده و مرکز ثقل و محور چرخش آن بر مقوله «پدیده مجرمانه» استوار است. در واقع؛ دنیایی است که در آن پدیده مجرمانه از منظرهای گونه‌گون و از رهگذرهای متفاوت مورد کنکاش و مذاقه قرار می‌گیرد و افزون بر نگاه توصیفی به این رویداد جنایی در فرایند اجتماعی، از رهگذر ابزارهایی نظیر آمار جنایی، به تحلیل و سنجش آن پرداخته و راهکارهای لازم و مناسب را به منظور مقابله با این واقعه مجرمانه به دست می‌دهد.

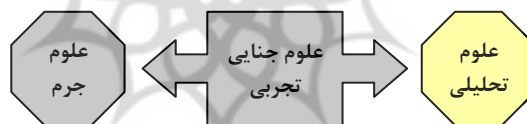
علوم جنایی حقوقی، علوم جنایی تجربی، فلسفه کیفری و سیاست جنایی، چهار بخش اصلی این گستره مبتنی بر بزه هستند که هر یک بر حسب دامنه و قلمرو قابلیت اعمال خود، از گزینه‌ها و اقسام خاصی برخوردارند.

۱. علوم جنایی حقوقی، مجموعه‌ای از رشته‌های مطالعاتی است که موضوع آنها «جرم» و بررسی آن از نظر قوانین و مقررات کیفری است. به دیگر سخن، علوم جنایی حقوقی رشته‌ای دستوری و هنجاری و مبتنی بر قواعد و مقرراتی است که مقنن تهیه کرده و بر اساس آن جرم از غیر جرم تفکیک می‌شود و جنبه‌های مختلف عمل مجرمانه با توجه به تنظیم و تنسيق آنها در قوانین و مقررات کیفری، مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ر.ک. به: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۲)



نمودار ۱: رشته‌های اصلی علوم جنایی

علوم جنایی تجربی که در واقع جرم‌شناسی و جرم‌شناسی پیشگیرانه در آن جای می‌گیرد، در نگاه کلان در برگیرنده دو حوزه علوم اثبات‌کننده؛ یعنی جرم‌یابی^۲ و علوم تفسیری؛ یعنی تحلیلی است که به منظور درک آن، به صورت ساده و بدون پیچیدگی در قالب نمودار زیر آمده است.



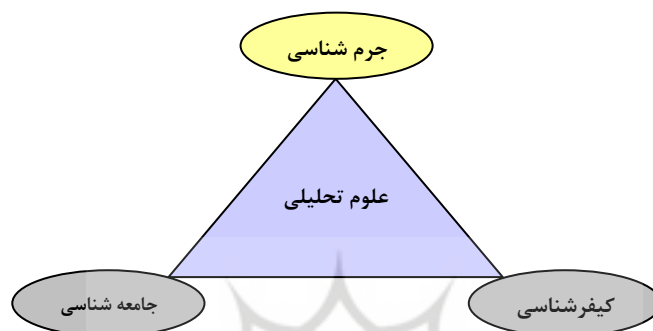
نمودار ۲: دسته‌بندی علوم جنایی تجربی

افزون بر این، این شاخه از علوم جنایی دربرگیرنده دو حوزه اصلی و تکمیلی است که در قلمرو شاخه‌های اصلی مورد بحث خود، می‌توان به حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی، آیین دادرسی کیفری و حقوق زندانها اشاره نمود و در خصوص شاخه‌های تکمیلی می‌توان از حقوق کیفری خاص (نظیر حقوق کیفری رایانه، حقوق کیفری بازرگانی و...)، حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری منطقه‌ای (نظیر حقوق کیفری اروپا)، تاریخ حقوق کیفری و حقوق کیفری تطبیقی نام برد.

۱. سیاست جنایی برای نخستین بار توسط اندیشمندی آلمانی به نام «فونر باخ» در کتابی با عنوان «حقوق کیفری» به سال ۱۸۰۳ به کاربرده شد. این مقوله که یکی از شاخه‌های بنیادین علوم جنایی است دربرگیرنده شماری از آیینهای است که هیئت اجتماع در مقابله با پدیده جنایی از رهگذر آنها، به اتخاذ پاسخهایی اعم از کیفری و غیر کیفری اهتمام می‌ورزد. به عبارت دیگر، سیاست جنایی تأملی معرفت‌شناختی در خصوص پدیده مجرمانه، درک آن و ابزارهایی است که در مواجهه با رفتارهای مجرمانه و کژروانه عملی می‌شود. (ر.ک. به: لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۴۱؛ مارتی، ۱۳۸۲)

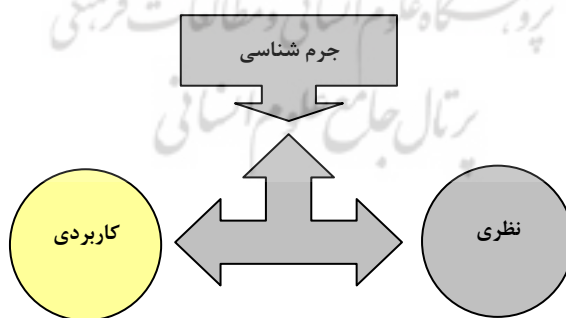
۲. علوم جرم‌یابی، دربرگیرنده شیوه‌های کشف جرم و نحوه ارتکاب آن است.

حوزه دوم که علوم تفسیری یا تحلیلی را نشانه می‌رود، متشکل از جرم‌شناسی، کیفر‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری^۱ است. از این رو، جرم‌شناسی، جلوه‌ای از علوم تحلیلی است که با تأکید بر علت‌شناسی علمی پدیده مجرمانه، وضعیت آن را نسبت به شخصیت ارتكابی آن مورد مذاقه قرار می‌دهد.



نمودار ۳: جایگاه جرم‌شناسی در علوم تحلیلی

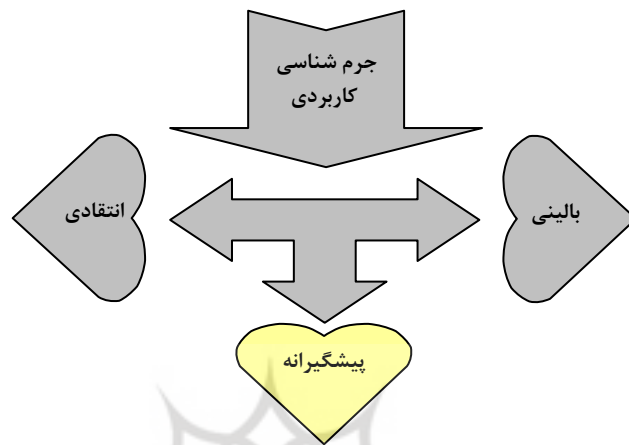
جرم‌شناسی خود در دو وادی مستقل به فعالیت می‌پردازد: جرم‌شناسی نظری و کاربردی که پیشتر بدان پرداخته شد. با این حال، موضوع جرم‌شناسی نظری تبیین فعل جنایی یا به دیگر سخن، بررسی عوامل و فرایندهای عمل مجرمانه است. موضوع جرم‌شناسی کاربردی یا عملی، مطالعه علمی کارایی و ارزش وسایل و امکانات مبارزه علیه بزهکاری می‌باشد.



نمودار ۴: تنوع گونه‌های جرم‌شناسی

۱. مجازات در جامعه‌شناسی کیفری، پدیده‌ای اجتماعی تلقی می‌شود که در نظرگاه آموزه‌های جامعه‌شناسی مورد مذاقه و تحلیل قرار می‌گیرد.

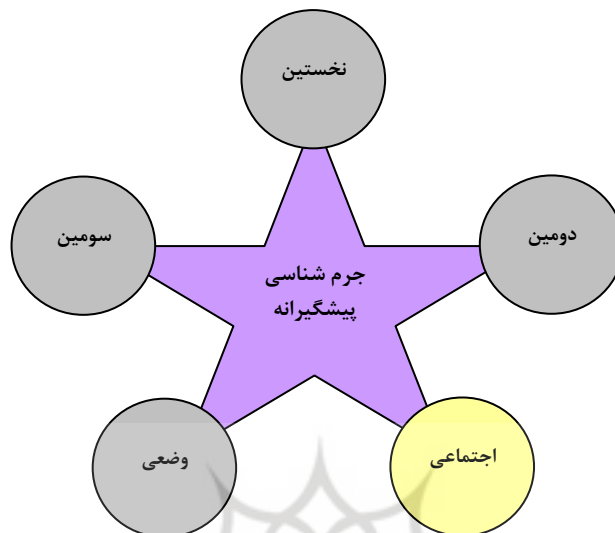
جرم شناسی کاربردی نیز به نوبه خود به سه شاخه اختصاصی دسته بندی می گردد: جرم شناسی بالینی، پیشگیرانه و انتقادی.



نمودار ۵: دسته بندی جرم شناسی کاربردی در راستای تبیین جرم شناسی پیشگیرانه

جرم شناسی پیشگیرانه که مقوله ممانعت از وقوع هرگونه بزه در فرایند اجتماعی را دنبال می کند، از ابزارهای گونه گونی بهره می برد که از آن جمله است: پیشگیری اجتماعی^۱، وضعی^۲، نخستین^۳، دومین^۴ و سومین^۵.

۱. به لحاظ موضوعیت این گونه پیشگیرانه در نوشتار حاضر، تعریف و گستره شناسی آن به صورت مجزا در بخش (ب) بند دوم خواهد آمد.
۲. پیشگیری وضعی عبارت است از: اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم که از طریق مدیریت یا مداخله در محیط بلاواسطه به شیوه ای نظام مند منجر به کاهش فرصتهای جرم و افزایش خطرات جرم است. (رزن بام، ۱۳۸۲).
۳. پیشگیری نخستین به مجموعه تدابیری اطلاق می شود که پیش از ارتکاب بزه بوده و درصدد آن است که با اعمال این تدابیر و اقدامات در بستر اجتماعی از وقوع هر گونه فعل جنایی جلوگیری به عمل آرد.
۴. در پیشگیری دومین، شخص در آستانه ارتکاب بزه بوده و ظرفیت جنایی وی به حداکثر خود رسیده است؛ چنان که کوچک ترین عمل یا عکس العملی منجر به وقوع جرم از سوی وی می گردد. در این مرحله سعی می شود با تدبیر اندیشی درست و مناسب از فعلیت اندیشه مجرمانه این شخص ممانعت گردد.
۵. در پیشگیری سومین، شخص، مرتکب عمل مجرمانه شده است. در این زمان، سعی می شود تا از رهگذر تدابیر متناسب و مناسب با وضعیت و شخصیت مرتکب، وی را از گرداب و منجلاب بزهکاری مجدد رها نیند و به دامان فرایند اجتماعی که به تعبیری باز اجتماعی شدن و باز پروری گویند، باز آورد.



نمودار ۶: شاخه‌های جرم شناسی پیشگیرانه و جایگاه پیشگیری اجتماعی

در این میان، با عنایت به تبیین جایگاه جرم شناسی پیشگیرانه و بیان تنوع گونه‌های آن و به لحاظ اهداف موردنظر پیشگیری اجتماعی در گستره جرم شناسی پیشگیرانه، می‌توان اذعان کرد که مقوله امر به معروف و نهی از منکر در این وادی قرار گرفته و به منزله ابزاری در امر پیشگیری اجتماعی، نقشی قابل ملاحظه در دنیای جرم شناسی پیشگیرانه دارد.



نمودار ۷: رابطه پیشگیری اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر

بند دوم: سازه امر به معروف و نهی از منکر به مثابه ابزاری پیشگیرانه

امر به معروف و نهی از منکر به مثابه نهادی^۱ اجتماعی، در صورت نظام مندی و ضابطه‌مداری می‌تواند ابزار و تدبیری مدبرانه در قبال نقض هرگونه هنجار اسلامی، اجتماعی و کیفری باشد که سرانجام آن نه تنها عدم وقوع جرم و گناه را در فرایند اجتماعی به همراه آورد که در سالم سازی جامعه نیز نقش مضاعف ایفا کند.

با این بیان، جدای از تأکید بر گناه یا جرم و رابطه منطقی آنها در میان نسب اربعه و به علاوه مبانی فلسفی و اندیشه‌ای آن در خصوص تقدّم و تأخّر یکی بر دیگری، نهاد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان، ابزاری پیشگیرانه در قبال وقوع هر یک از این دو مقوله ناقض هنجارهای اجتماعی و جنایی است که اعمال آن در روند اجتماعی، برایندهای قابل ملاحظه‌ای را به همراه دارد.

در این بند، کوشش شده تا ضمن بررسی واژه شناسی امر به معروف و نهی از منکر و غایت و شاخصهای آن مورد امعان نظر قرار گیرد و در ادامه، به کارکردهای پیشگیرانه آن که در وادی «پیشگیری اجتماعی» جای می‌گیرد پرداخته شود.

الف) مفهوم، غایت و شاخصهای امر به معروف و نهی از منکر

معروف، از نظر لغوی به معنای «شناخته شده» است و از حیث اصطلاحی به افعال و صفاتی گفته می‌شود که عقل و شرع آنها را شناخته و مورد تأیید قرار داده باشند. پس، امر به معروف عبارت از تشویق و واداشتن دیگران به انجام افعال و داشتن صفاتی است که به حکم عقل و از طرف شارع به نیکی توصیف شده‌اند. (قربانی لاهیجی، ۱۳۷۹، ص ۳۴)

منکر از نظر لغوی به معنای ناشناخته و پدیدۀ زشت، «قول و فعلی که برخلاف رضای خدا باشد» و «زشت و باطل» است (صادقی، ۱۳۸۰، ص ۵) و در اصطلاح، به کلیه اعمال و صفات ناپسندی اطلاق می‌شود که شرع و عقل آنها را به رسمیت نمی‌شناسند و قبیح

۱. در حقوق کیفری هر سازه یا هر گزاره‌ای نظیر کیفر، تهدید، تحریک، تسهیل به ارتکاب جرم و نظیر آنها یک نهاد تلقی می‌شود. در نتیجه در این مثال نهاد امر به معروف و نهی از منکر نه به مفهوم نهاد در بعد اجتماعی آن و نه در بعد ساختاری آن در حقوق عمومی است.

می‌شمارند (هاشمی) «۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۸». پس، نهی از منکر یعنی بر حذر داشتن دیگران از انجام افعال یا داشتن اوصافی است که از طرف شارع و به حکم عقل از آنها بر قباح و زشتی یاد شده است.

امر به معروف و نهی از منکر هر دو واجد وصف امری (قربانی لاهیجی، ۱۳۷۹، ص ۳۶-۳۵) هستند که به دو صورت مثبت و منفی تجلی می‌یابند. اما از جهتی دیگر، به نظر می‌آید که توصیه، نصیح و خیر خواهی، مراحل نهفته در مفهوم امر به معروف هستند که مقدم بر هرگونه تصور وصف آمرانه این مفهوم، ظهور و بروز می‌کنند. «بر اساس استنباط از این گفته‌های صریح و روشنگرانه، مؤمن در قبال ترک معروف و ارتکاب منکر، نخست آموزش می‌دهد و به تحلیل علل معروفیت و منکریت آن می‌پردازد. (تیلا، ۱۳۸۴، ص ۴۷) در مرحله دوم، توصیه می‌کند و در مقام پند و اندرز یا نصیح بر می‌آید. اگر مؤثر واقع نشود، خیر خواهی می‌کند و اگر مشکلی در راستای انجام معروف و ترک منکر دارد، مشکل وی را رفع می‌کند. پس از این مرحله است که مجال اقدام عملی، قهری یا امری فرا می‌رسد. به همین دلیل، امر و نهی را در این چارچوب، «امر و نهی ارشادی» (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۳۹) یا موعظه اندرز (همان، ص ۴۰) نامیده‌اند» (تیلا، ۱۳۸۴، ص ۴۸)

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از فرایض دینی و نهادهای حقوقی اسلامی است که به صورت همراه و همزاد یکدیگر استعمال و تأکید شده‌اند. اما در واقع، این نهاد خود متشکل از دو فریضه است که با وجود اقتران عملی آن در اغلب موارد، می‌توان آنها را دو نهاد هم‌عرض ولی واجد هدفی مشترک تلقی کرد.

به نظر می‌رسد که در اغلب موارد، امر به معروف همان نهی از منکر است. به عبارت دیگر، از آنجا که در دین مبین اسلام همواره بر انجام محسنات و افعال «معروف» تأکید شده و این امر، اشتغال، کارکرد و حتی یکی از اوصاف مؤمنان تلقی شده است، خودداری از انجام امور معروف، کاری ناپسند و حرکت به سوی منکر است. از این حیث، شاید تنها تفاوتی که بتوان میان امر به معروف و نهی از منکر یافت، در روش مثبت و منفی نهفته در اجرای آن دو است. مورد نخست با «امر» همراه است (یعنی دستور یا درخواست به انجام افعالی در آینده) و دومی با «نهی» (یعنی دستور یا درخواست خودداری از انجام یک یا چند عمل در آینده).

با این همه، نسبت مفهومی واژگان امروزی به مانند اغلب قواعد و اصول مقرر انسانی، بر گستره امر به معروف و نهی از منکر نیز حاکم است. از این رو، این نهاد فقهی و حقوقی دو بخشی نیز به مثابه پدیده‌ای اجتماعی همواره نمی‌تواند برخوردار از حوزه معنایی همسان و ترادفی در چارچوب اجزای خود باشد. به دیگر سخن، نسبت مفهومی معروف و منکر و انطباق‌پذیری آن با تحولات اجتماعی موجد این معنا است که جز در مواردی که شارع مقدس به بیان صریح مصادیقی از معروفها و منکرها اهتمام ورزیده است، در سایر موارد باید به قانونگذار اجازه داد که مصادیق آنها را در امور مستحدثه و جدیدی که سابقه در منابع اصلی حقوق اسلامی ندارند، بر شمارد.

۱. فلسفه وجودی و غایت تکوین امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، قانونی طبیعی و برخاسته از سرشت انسانی و سرنوشت اوست که وجود عقل بشری را در کنار فطرت وی به اثبات می‌رساند. گرایش به این سازه دینی- مذهبی در دنیای بشری، «بازگشت به فطرت و عقل و طبع اولی انسانها و برخورداری از نظام اصلح و قانون جهان آفرینش و شرع اقدس می‌باشد» (حکمی، ۱۳۷۹، ص ۷) که به مثابه ارمغانی الهی به انسان هدیه شده تا در پرتو آن بتواند مسیر تعالی خویش را هموار سازد و از ورود به وادی‌های انحرافی از جمله بزهکاری امتناع ورزد.

در نگرش و دیدگاه شرعی، در مورد توجیه تکوین این نهاد و تأکید قرآن کریم بر اجرای آن بر نکاتی تأکید می‌شود که بیش از هر چیز، نظریه حقوقی اصالت جمع را به ذهن متبادر می‌سازد (ر.ک. به: کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۴۰-۳۶). از این منظر، «رمز و راز نهاد امر به معروف و نهی از منکر در این نهفته است که هیچ یک از افراد جامعه از دیگران جدا نیست و راه زندگی و سرنوشت آنان در مسائل اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده است».

در این راستا، با مبنا قرار دادن حکم عقل برای جلوگیری از رفتارهای فردی مغایر با اهداف اجتماعی و موجب انحطاط جامعه، این گونه نتیجه‌گیری شده که «روشن است که انحراف یک فرد علاوه بر اینکه به خود وی زیان وارد می‌آورد، جامعه نیز از رفتار او

زیان می‌بیند. پس عقل حکم می‌کند که عموم افراد مراقب یکدیگر باشند و در حد توان، جامعه را از آلوده شدن به فساد دور نگه دارند و شرع نیز همین اصل عقلی را از مهم‌ترین واجبات به شمار آورده است.»

در واقع، «می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را یک قانون طبیعی برخاسته از سرشت انسانی و سرنوشت او دانست و عقل بشری و فطرت انسانی را با آن همگام و همسو نمود. روی آوردن به امر به معروف و نهی از منکر، بازگشت به فطرت و عقل و طبع اولی انسانها و برخورداری از نظام اصلح و قانون جهان آفرینش و شرع اقدس می‌باشد.» (حکمی، پیشین)

اگر این جلوه از غایت مذکور مورد توجه اساسی باشد، در این صورت لازم است که کارکردهای حقیقی یا غالب این نهاد هم با غایت مذکور متناسب باشند. به عبارت دیگر، نظارت بر دولت و مردم باید از نظر نوع و طریقه اعمال و همچنین اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که در تحقق غایت مذکور باشد. از سویی دیگر، اجرا و اعمال این واقعیت در فرایند اجتماعی بایست بر پایه اوصاف بنیادین و شرایط مقتضی باشد تا بتواند این غایت را در فرجام کار به دنبال داشته باشد. بدیهی است در این هنگامه، پدیده‌ای اجتماعی نظیر جرم در مواجهه با پدیده‌ای دیگر همچون امر به معروف و نهی از منکر، ضمن تضاد وجودی می‌تواند به نیستی گراید یا حداقل روندی کاهنده در پی داشته باشد.

۲. شاخصهای اعمال امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم، قانون اساسی امت اسلام و حتی جمیع بشریت است که رموز موفقیت و سعادت تمامی انسانها به صورتهای مختلف (در قالب یادآوری دلایل انحطاط ملتهای پیشین یا پیش بینی احکام و قواعد حقوقی و...) در آن ارائه شده است. از سوی دیگر، در سنت نیز به آن استناد و رجوع می‌شود.

شاخصهای امر به معروف در این منابع که به منزله منابع حقوق اسلامی برشمرده می‌شوند، خود گویای پویایی و سعادت بخشی این سازه و کارایی مضاعف آن در فرایند

اجتماعی است که می‌تواند به سهم خود با اوامر به نیکویی و نواهی از منکرات، در گستره‌ی جنایی نیز نقش قابل ملاحظه‌ای داشته و در حداقل ممکن، به مثابه‌ی ابزاری در جهت عدم وقوع بزه در جامعه و مانع پیشگیرانه‌ی محکمی در صورت اعمال، در قبال هر گونه رخداد جنایی قلمداد شود.

در این مجال، کوشش به اختصار می‌شود به شماری از شاخصهای این نهاد از رهگذر منابع اسلامی؛ یعنی قرآن کریم و سنت پرداخته شود.

۱-۲. اعمال امر به معروف و نهی از منکر، شاخص ایمان

قرآن کریم بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید بسیار دارد. آیه ۱۱۲ سوره مبارکه توبه، ضمن معرفی و تبیین امر به معروف و نهی از منکر (در کنار سایر واجبات و فروع دین) به عنوان یکی از ویژگی‌های ایمان، اعمال کنندگان آن را از مؤمنان به خداوند و اسلام بر شمرده است. به موجب این آیه شریفه: «از گناه پشیمانان، خداپرستان، شکرگزاران، روزه داران، نمازگزاران، سجده کنندگان، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و نگاهبانان حدود الهی (همه اهل ایمانند) و مؤمنان را بشارت ده.»

۲-۲. ظهور و بروز رحمت الهی در پرتو عمل به امر به معروف و نهی از منکر

در آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه مجدداً آمده است: «همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه برخی از آنان اولیای برخی دیگر هستند. امر به معروف و نهی از منکر نموده و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و خدا و رسولش را فرمانبرداری می‌کنند. خداوند اینان را به سرعت مورد رحمت خویش قرار خواهد داد. همانا خداوند عزتمند و دانا است.»

۳-۲. اجرای امر به معروف و نهی از منکر، شاخص نیکوترین امت

آیه ۳ سوره مبارکه آل عمران، اجرای این نهاد را شاخص نیکوترین امت خداوند معرفی می‌کند. «در این آیه، مسلمانان به عنوان بهترین امتی هستند که آفریده و برای نفع اجتماعات بشری ایجاد شده اند و ملاک برتری آنان بر دیگران نیز این است که نیکی‌ها

را در جامعه گسترش داده و از پلیدی‌ها جلوگیری می‌کنند و جوامع را اصلاح می‌نمایند». (منتظری، پیشین، ص ۳۵۴) این آیه می‌فرماید: «شما نیکوترین امتی هستید که برای اصلاح مردم آفریده شده اید تا مردم را به نیکوکاری وادار کنید و از بدکاری بازدارید و ایمان به خدا آرید...»

۴-۴. اقامه امر به معروف و نهی از منکر، یکی از اوصاف رسول اکرم(ص)

در سوره مبارکه اعراف (آیه ۱۵۷) ضمن محسوب کردن اقامه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از اوصاف حضرت رسول(ص)، استمرار این اقدام را یکی از ویژگی‌های پیروان پیامبر خاتم(ص) معرفی کرده و آن را راهکاری برای دستگیری مسلمانان از پیروان سایر ادیان آسمانی نمایانده است. بر اساس این آیه شریفه: «آنان که از رسول و پیامبر امی - که نام و اوصاف وی در تورات و انجیلی که در دست آنها است، نگاشته می‌بینند - پیروی می‌کنند، آنان (تابعان تورات و انجیل) را به نیکویی امر و از زشتی باز خواهند داشت...»

۴-۵. ترک امر به معروف و نهی از منکر، قاطع نعمت

یکی از روایات منسوب به حضرت رسول اکرم(ص) در این خصوص، روایت ذیل است که بر اساس آن فرموده‌اند: «پیوسته امت من بر خیر و نیکی هستند تا آنگاه که امر به معروف و نهی از منکر نموده و به نیکی امر می‌کنند. پس آن گاه که دست از این کار کشیدند، برکتها از آنان گرفته می‌شود و برخی از آنان بر برخی دیگر مسلط می‌گردند و برای آنان یآوری در زمین و آسمان نمی‌باشد.» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۲، ح ۱)

۴-۶. اجرای امر به معروف و نهی از منکر، دلیل هدایت

یکی از روایاتی که در نهج البلاغه در این خصوص از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده این است که می‌فرمایند: «ای گروه مؤمنان، هر یک از شما ظلم و تجاوزی را ببیند که بدان عمل می‌شود و منکری را مشاهده کند که بدان دعوت می‌شود، پس با قلب

خود آن را مورد انکار قرار دهد، خود سالم مانده و بدان آلوده نشده است و هر که با زبان، آن را مورد انکار قرار دهد پاداش نیز برده و برتر از دیگری است و کسی که با شمشیر به مخالفت با آن برخیزد تا کلمه خداوند بر فراز و کلمه ستمگران بر فرود قرار گیرد، این همان کسی است که به راه هدایت دست یافته و در راه راست گام نهاده و در دل وی یقین نور افشان شده است.»

۲-۷. اقامه امر به معروف و نهی از منکر: اقامه سایر فرایض

از امام باقرالعلوم (ع) روایت شده که فرموده‌اند: «... همانا امر به معروف و نهی از منکر فریضه بسیار بزرگی است که به وسیله آن سایر فرایض اقامه می‌گردد. در این مورد است که خشم خداوند بر آنان (قومی که امر به معروف و نهی از منکر را بر خود واجب نمی‌دانند) به نهایت می‌رسد و عقاب وی همه آنان را در بر می‌گیرد...» (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۵، ح ۲۱)

ب) پیشگیری اجتماعی و نهاد امر به معروف و نهی از منکر

پیشگیری غیر کیفری یا کنشی که خاستگاه آن علم جرم‌شناسی (Criminology) بوده و به مثابه یکی از شاخه‌های سه‌گانه جرم‌شناسی کاربردی (جرم‌شناسی پیشگیرانه) بر اتخاذ تدابیر کنشی تکیه دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰)، به جلوگیری از بزهکاری، از رهگذر شیوه‌های گوناگونی که خارج از نظام عدالت کیفری است، می‌پردازد. این گونه پیشگیری که «آنریکو فری»، یکی از بانیان مکتب تحقیقی، وامدار طرح آن در گستره علوم جنایی است، در صدد مهار بزهکاری یا کاهش امکان وقوع بزه با توسل به ابزارهای غیر قهرآمیز و تدابیر غیر سرکوبگر می‌باشد. به دیگر سخن، هدف نهایی آن، محدود کردن گستره جرایم، ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن امکان وقوع بزهکاری و در نتیجه، سالم‌سازی جامعه با برهم‌زدن اوضاع و احوال قبل بزهکاری و رفع بحرانهای جرم‌زا است. از این رو، سیاست جنایی از آن برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدودسازی عوامل

جرم‌زا و نیز مدیریت مناسب و مطلوب محیط‌های فیزیکی و اجتماعی‌ای استفاده می‌کند که فرصتهای مساعد ارتکاب جرایم را ایجاد می‌ماید. (ساعد، ۱۳۸۶، ص ۸۱)

پیشگیری غیر کیفری، در یک دسته‌بندی کلاسیک و رایج، به پیشگیری اجتماعی که خود واجد دو گونه پیشگیری رشدانگار و جامعه مدار است و پیشگیری وضعی که مربوط به بزه‌دیده و امکان زدایی ارتکاب بزه بوده و باید با رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی مردم به اجرا درآید، تقسیم می‌شود.

بدین سان، به لحاظ تمرکز این نوشتار بر گونه پیشگیری اجتماعی از یک سو و مقوله امر به معروف و نهی از منکر به مثابه نهادی اجتماعی در این بند، ضمن پرداخت اجمالی به گستره معنایی این نوع پیشگیری و تنوع گونه‌های آن، کارکردها و کارویژه‌های این نهاد اجتماعی در قلمرو پیشگیری از وقوع جرم مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱. پیشگیری اجتماعی

اندیشه توسل به پیشگیری اجتماعی از بزهکاری، به پیشوایان مکتب تحقیقی در ربع آخر سده نوزدهم بر می‌گردد. «انریکو فری» معتقد بود که پیشگیری عام با تهدید کیفر، خیالی بیش نیست و می‌بایست آنچه وی آنها را جانشینهای کیفر می‌نامید (یعنی تدابیر اجتماعی جایگزین کیفر) وارد سیاست جنایی شود.

پیشگیری اجتماعی (Social Prevention of crime) مجموعه تدابیری است که مرکز ثقل توجه آن بر مهار عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و پیدایی رخداد جنایی است؛ به صورتی که با تأثیرگذاری بر محیط‌های پیرامون بشر اعم از محیط اجتماعی و طبیعی - و مداخله در فرایند رشد کودکان و نوجوانان مسئله‌دار - اعم از ناسازگار، منحرف یا بزهکار - در صدد محدود کردن فرایند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه، حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه، سالم سازی جامعه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵۵۹). به عبارتی دیگر، پیشگیری اجتماعی بر علت شناسی جرم تأکید کرده و بر این واقعیت صحه می‌گذارد که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. از این رو، سیل نگاه این گونه

پیشگیری کنشی خشکاندن ریشه‌های بزهکاری و تمهید شرایطی است که مانع از شکل‌گیری علل بزهکاری می‌شود. (ساعد، پیشین، ص ۸۱)

بنابراین، از یک جهت بر محیط‌های فیزیکی - جغرافیایی و اجتماعی (اعم از عمومی و شخصی) و از دیگر جهت، بر فرد و انگیزه‌های فردی و تأثیرگذاری بر آنها در جهت حذف یا کاهش بزهکاری تمرکز دارد. بر همین مناسبت که این دو مقوله از پیشگیری اجتماعی را که در قالب «پیشگیری جامعه‌مدار» و «پیشگیری رشد انگار» متبلور می‌گردند، «پیشگیری فردمدار / Individual-based Crime Prevention» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۲) نیز می‌نامند؛ زیرا هدف رعایت این دسته از اقدامات پیشگیرانه، تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت فرد یا محیط‌های پیرامون اوست که این فرایند را شکل می‌بخشند، چنان که دربرگیرنده اقدامات مؤثر بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد است که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند. به دیگر سخن، عنایت آنها، تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر و نیز محیط‌های پیرامون آنها به جامعه‌پذیری شان یاری می‌رسانند. (رایجیان، اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹) شاید به همین واسطه است که پیشگیری اجتماعی را بهترین توصیف از پیشگیری نخستین (Primary Prevention) به شمار می‌آورند.

در نتیجه، پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم در مقام جلوگیری از مجرم شدن افراد و ورود آنها به منجلاب بزهکاری است. از این رو، از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل ممانعت به عمل آورده و در این راستا، در صدد آن است تا از رهگذر تضمین و تأمین حقوق اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی تابعان حقوق کیفری در فرایند اجتماعی علل و عوامل جرم‌زا و مؤثر بر اراده مرتکب را ریشه کن و حداقل کاهش دهد. بدین سان، به اتخاذ سیاست جنایی مناسب با اوضاع و احوال سوژه‌های حقوق کیفری و پیرامون آنها اقدام می‌کند و از این منظر است که بعضاً این گونه پیشگیرانه، پیشگیری اصلاحی نیز خوانده می‌شود؛ چراکه اصلاحات فردی و محیطی را نشانه می‌رود و از این رهگذر از ارتکاب بزه به صورت همیشگی پیشگیری می‌کند.

۲. کارکردهای نهاد امر به معروف و نهی از منکر: پیشگیری اجتماعی

با تبیین این وضعیت که امر به معروف و نهی از منکر دارای خصیصهٔ جلوگیری از ارتکاب بزه یا به عبارت بهتر، پدیدهٔ جنایی است که دربرگیرندهٔ جرم و انحراف می‌باشد، در این مجال کوشش می‌شود که به برخی از جلوه‌ها و کارویژه‌های نهاد امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شود که در گسترهٔ جرم‌شناسی پیشگیرانه، به ویژه پیشگیری اجتماعی جای می‌گیرند.

۲-۱. ایجاد روحیه تعاون و حس مسئولیت در میان بازیگران اجتماعی

در قرارداد اجتماعی، سرنوشت اشخاص جامعه به هم گره خورده است و ایراد صدمه و خسارت از سوی یک نفر، ناگزیر منجر به ایراد خسارات و صدماتی بر دیگری است. از این رو، اشخاص در گسترهٔ فرایند اجتماعی، همواره با تضاد منافع و خواسته‌های یکدیگر مواجه‌اند و این مقوله منجر می‌شود که در جهت رفع این معضل به همان صورتی که نفع دیگری به مفهوم ضرر دیگری است، دیگری نیز محق گردد که خود را از تحمل ضرر برهاند و طریق‌رهایی از این امر، بازداشتن آن شخص از کسب منفعت و اجرای خواسته‌اش است.

این مسئله در دنیای علوم جنایی نیز صادق است. فردی که در فرایند اجتماعی سعی دارد در جهت ارضای خواسته مشروع یا نامشروع خویش به افعال یا ترک افعالی اهتمام ورزد که برآیند آن به صورت نقض هنجارهای اخلاقی و اجتماعی واجد ضمانت اجرای کیفری تبلور می‌یابد، دیگری مستحق آن است که پیش از دست یازیدن وی به این پدیده که در عالم حقوق کیفری به فعل جنایی یا عمل مجرمانه مرسوم می‌باشد، او را از این امر نهی کند و با این کار، نه تنها از نقض هنجارهای اخلاقی و اجتماعی مورد حمایت کیفری ممانعت به عمل می‌آورد، که موجب سالم سازی فرایند اجتماعی نیز می‌شود.

با این همه، در پرتو قرارداد اجتماعی مزبور، فرد که بازیگر فعال سناریوی اجتماعی است و در این ارتباط صرفاً در لوای جامعه و حیات گروهی است که تداوم خواسته و ارضای نیازهایش محقق می‌شود، خود نمی‌تواند به تنهایی در قبال تخلف دیگری که وی

نیز بازیگری دیگر در این سناریو است، پاسخ دهد. دولت به مثابه نماینده جامعه به قدرت می‌رسد و از این رهگذر که به وصف استحقاق و تکلیف متصف می‌شود، در زمان تخلف از هرگونه شرط مقرر در این قرارداد به مثابه ضمانت اجرایی وزین، واکنش نشان می‌دهد و از این رو، شخص خاطی را به جزای عمل خویش می‌رساند.

اما با این همه، گاه این نماینده مردمی در راستای انجام تعهدات خویش و در واقع به منزله مدیر در فرایند اجتماعی نمی‌تواند به تنهایی مقصود و مراد اجتماعی را حاصل کند و در این راستا نیازمند یاریگری و مساعدت مردمی است که آن را به وجود آورده‌اند. در این زمان است که دولت در تعامل تام با شهروندان خویش، در فضایی کاملاً مسالمت‌آمیز، انجام برخی از تکالیف خود را گاه به تام و تمام به بازیگران اجتماعی تفویض و گاه با نظارت خویش این مهم را به آنها واگذار می‌کند. این مقوله که در دنیای علوم جنایی و در ارتباط با مدیریت مقابله با بزهکاری و حتی وقوع هرگونه انحراف به «سیاست جنایی مشارکتی» مرسوم است، شهروندان که تابعان حقوق کیفری برشمرده می‌شوند در خصوص عدم وقوع بزه در فرایند اجتماعی یا کاهش این پدیده از رهگذرهای متنوع با دولت به مثابه مدیر انتخابی خود به فعالیت می‌پردازند.

امر به معروف و نهی از منکر در زمره یکی از تکالیفی است که دولت به واسطه قرارداد اجتماعی، موظف به اتخاذ سیاست و تدبیراندیشی در این راستا برای تحقق اهداف والای جامعه خود است که با امر به معروفات و نهی از منکرات بر روی مساعدت تابعان خویش حساب باز کرده و دست آنها را به گرمی می‌فشارد. چنین اندیشه‌ای که تعامل دولت - ملت را به خوبی نشان می‌دهد، برابند تأثیر انکارناپذیر اقدامات تابعان اجتماعی در این مهم است که می‌تواند از رهگذر استراتژی یا راهبرد کنترل از راه نزدیک، به طرز کارآمدی بر افراد پیرامون خود نظارت کنند و جلوه‌ای از همبستگی ایجابی را به نمایش درآورند.

وانگهی، انعقاد این قرارداد اجتماعی میان دولت و ملت، مبین این واقعیت است که سرنوشت بازیگران اجتماعی به هم گره خورده است و جملگی می‌بایست در این راستا همگام و همنوا باشند تا بتوانند به سر منزل مقصود خویش نایل آیند. بر همین مبناست که

برخی از اندیشمندان معتقدند: «رمز و راز این مسئله (یعنی نهاد امر به معروف و نهی از منکر) در این نهفته است که هیچ یک از افراد جامعه از دیگران جدا نیست و راه زندگی و سرنوشت آنان در مسایل اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده است». از این رو، «روشن است که انحراف یک فرد علاوه بر اینکه به خود وی زیان وارد می‌آورد، جامعه نیز از رفتار او زیان می‌بیند. پس عقل حکم می‌کند که عموم افراد مراقب یکدیگر باشند و در حد توان، جامعه را از آلوده شدن به فساد دور نگه دارند و شرع نیز همین اصل عقلی را از مهم‌ترین واجبات به شمار آورده است». (همان)

در چنین فضایی، هر یک از سوژه‌های اجتماعی در سایه امر به معروف و نهی از منکر در می‌یابند که می‌بایست از یک سو خود از هر گونه تعدی به هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و دینی واجد وصف کیفی پرهیزند و از سوی دیگر، به دیگران در این راستا همیاری کنند تا در منجلا بزهکاری و گناهکاری نیفتند و از این منظر بتوانند نقش خویش را به منزله بازیگری اجتماعی ایفا کرده و در سالم سازی جامعه و از میان برداشتن موانع تعالی بشری و اجتماع خویش حداقل توانایی خود را به فعل درآورند. این زمان است که فرد با روحیه مسئولیت‌پذیری، هرگونه نقض هنجار اجتماعی و کیفی دغدغه او شده و مقوله همبستگی ایجابی و سلبی را حسب مورد به منصف می‌رساند.

۲-۲. آموزش تابعان حقوق کیفری از رهگذر شناساندن گناه و جرم و توصیه بر عدم ارتکاب آن

انجام امر به معروف و نهی از منکر به افراد جامعه می‌آموزد که مطلوبیتهای جامعه که عنوان معروف به خود می‌گیرند و نامطلوبهای آن که با منکرات از آنها یاد می‌شوند کدامند. تعیین و شناسایی این گزینه‌های مطلوب و نامطلوب که به زعم ما تعبیری اجتماعی از هنجارهای اخلاقی و کیفری است، بازیگران اجتماع را آگاه می‌کند که در راستای دستیابی به خواسته‌های خود، خطوط قرمز را رعایت کرده و افزون بر این، عنایت بدانها را پاس بدارند. از آنجا که در نظام جمهوری اسلامی «سیاست ما عین دیانت ماست»، از این رو، می‌توان با نگاهی مبتنی بر آموزه‌های سیاست جنایی اذعان داشت که

مقوله جرم و گناه در هم آمیخته و ضمن وجود رابطه عموم و خصوص مطلق بین این دو گزینه، غالب گزینه هایی که از منظر دینی گناه محسوب می شوند. به وصف کیفری نیز متصفند. بر این اساس، شناسایی گزینه هایی که گناه محسوب می شوند و امر به عدم وقوع آنها یا به عبارت بهتر، نهی از دستیازی به آنها، می تواند به سهم خود در پیشگیری از وقوع بزه و در نتیجه، کاهش گناه به مفهوم اعم و جرم در معنای اخص مؤثر باشد.

از سوی دیگر، آموزه های اجتماعی در وضعیت موجود ما که مبتنی بر رویکردهای دینی، اخلاقی، حقوقی و سیاسی و امثال آن است، گذشته از آموزش بازیگران و سوژه های اجتماعی، به آنها می آموزد که در پیرامون خود نیز مؤثر بوده و علاوه بر عدم دستبرد در اوامری که نقض هنجارهای اخلاقی-دینی و کیفری هستند، به افرادی که در اطراف وی زندگی می کنند این مقولات را بیاموزند و به این مهم؛ یعنی امر به خیر و خوبی و نهی از شر و بدی اهتمام ورزند.

بدیهی است که چنین امری زمانی مفید و کارآمد خواهد بود که مبتنی بر ضوابط و شرایطی باشد تا از رهگذر آن نه تنها از سوی عده ای مورد سوء استفاده قرار نگیرد، که منجر به سلب اعتماد شهروندان نسبت به این مقوله و در نتیجه تجرّی آنها نگردد.

۳-۲. ایجاد فضای سالم و عاری از جرم و اعتلای فرهنگی- اجتماعی جامعه

برایند بارز اعمال امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب سالم سازی جامعه نمود می یابد. زمانی که این نهاد اجتماعی دینی بتواند به نحو احسن و از رهگذرهای کارآمد صورت گیرد، در سرانجام آن می توان جامعه ای را انتظار داشت که نقض هرگونه هنجار اخلاقی و کیفری به مثابه مستثنایی نادر در فرایند اجتماعی طنین انداز گردد.

یکی از جلوه های بارز پیشگیری اجتماعی، فرهنگ سازی و آموزش و پرورش تابعان حقوق کیفری و در سطح کلان سوژه های اجتماعی است. این مهم به ویژه در دنیا کودکان تبلور می یابد و در ارتباط با کودکان مسئله دار و در معرض خطر که اعم است از خطر بزهکاری یا گناهکاری، مطرح می گردد. در واقع؛ در این گونه پیشگیری، از همان اوان کودکی به آنها آموخته می شود که معروفات و نواهی اجتماع ما کدامند و چستی و چرایی آنها نیز به آنها آموخته می شود.

برایند چنین مسئله‌ای که در واقع تبلور نخستین از نهاد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ماست، جامعه‌ای است عاری از هرگونه گناه و جرم. اگرچه چنین قاطعانه انگاشتن، جز اغراق در واقعیت و بیان کلام مبالغه آمیز نمی‌تواند باشد؛ زیرا از زمانی که انسان بر این کره خاکی متولد شده است همواره با پدیده گناه و جرم دست و پنجه نرم کرده است. زمانی که جرم یا گناهی روی می‌دهد، افراد جامعه در قبال آن نقض اجتماعی واکنش نشان می‌دهند و چینی واکنش به سایر افراد جامعه می‌آموزد که آنها به این عمل یا ترک عمل نباید روی آورند؛ زیرا در این صورت مشمول واکنش اجتماعی خواهند شد.

از این رو، اعمال مقولات پیشگیرانه در گستره پیشگیری اجتماعی و در واقع، امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند ابزاری مناسب در راستای سالم سازی جامعه بوده و در امر کاهش جرم و گناه و حتی ریشه کن کردن آن که در روزگار ما امری دشوار به نظر می‌رسد، کارآمد و پویا شد.

۴-۲. کاهش آماج جرم از رهگذر آموزش

مقصود از آماج جرم، افراد و اشیا و اموالی است که مورد حمله جرم قرار می‌گیرند و در واقع، تابع حقوق کیفری را متصف به وصف قربانی یا بزه‌دیده می‌کنند. اجرای امر به معروف و نهی از منکر که آموزش تابعان اجتماعی در خصوص ایده آلهای جامعه و هنجارهایی است که از اهمیت مضاعفی برای جامعه برخوردار بوده و به صورت سلبی و ایجابی تبلور می‌یابند، سوژه‌های حقوق کیفری را آگاه می‌سازد که در وضعیتها و موقعیتهای گونه‌گون، در قبال افراد سود جو و نابهنجار یا به دیگر سخن، در مقابل افرادی که متوسل به زور بازو و خشم می‌شوند و افرادی که متوسل به جرایمی چون کلاهبرداری را رقم می‌زنند، شرایطی فراهم نسازند که در سناریوی پدیده مجرمانه نقش منفعل بازی کرده و بازیگرانی فرعی به شمار آیند.

در واقع، چنین مسئله‌ای به تابعان اجتماعی می‌آموزد که فرصتهای مجرمانه را برای افراد بزهکار فراهم نکنند. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند با آگاهی‌دهی به تابعان حقوق کیفری، نه تنها آنها را از گرفتار شدن در دامان افراد مسئله دار و نابهنجار برهاند، که باعث پیشگیری از وقوع هرگونه بزه و در نتیجه کاهش وقوع بزه می‌شود.

۲-۵. از بین بردن یا کاهش فرصتهای ارتکاب بزه

آن زمان که نهاد امر به معروف و نهی از منکر در گستره فرایند اجتماعی به عمل درآید، از آنجا که فرهنگ سازی و اجتماع تهذیب محور را از رهگذر آموزش و پرورش در سرلوحه فعالیتهای خود دارد، شهروندان جامعه جملگی بر این مقولات؛ یعنی مطلوبها و نامطلوبهای جامعه آگاهی داشته و بر احکام آنها که در چارچوب امر و نهی متبلور می‌شوند، واقفند. از این رو، به واسطه نقش گریزناپذیر و ایجاد روحیه مسئولیت پذیری اجتماعی در آحاد جامعه، به نوعی در کنار استراتژی از راه دور که مدیریت آن را دولت اداره می‌کند، گونه‌ای راهبرد از راه نزدیک نیز ایجاد می‌شود که به موجب آن، هر یک از شهروندان به واسطه علم بر این مسئله که در صورت دستیابی به منکرات ممکن است از سوی سایر افراد مورد ارشاد قرار گیرند، در نتیجه، از دستیابی به مقولات منکر خودداری کرده و از این رو، نه تنها حادثه‌ای جنایی خلق نمی‌کند که کاهش جرم را نیز به همراه دارد.

بدین سان، صرف وجود نهاد امر به معروف، اعم از تبلور سخت افزاری و نرم افزاری، واجد جنبه‌ای آموزشی است که برخی از تابعان اجتماعی با علم و آگاهی بر آن و به صرف تأسیس و قابلیت اجرایی آن، از هرگونه تعدی و نقض هنجارهای اجتماعی و کفیری خودداری و کرده و از این منظر، از یک سو به کاهش جرم یاری می‌رسانند و از سوی دیگر، پیشگیرانه بودن نهاد امر به معروف و نهی از منکر را نیز به سهم خود ثابت می‌کنند.

نتیجه گیری

امر به معروف و نهی از منکر نهادی انقلابی- اسلامی است که علاوه بر گذار از آرمان ترغیب نیکی‌ها و تمنیع بدی‌ها به مثابه هنجارهایی اسلامی- اخلاقی در فرایند اجتماعی و تلقی گناه، بر دستیابی به مقوله‌های مندرج در گستره تمنیع، از کارویژه‌هایی دیگر نیز بهره‌مند می‌باشد که در این میان، مسئله «پیشگیری از وقوع جرم» جلوه بارز این کارکردهاست. با این توجیه که در جامعه اسلامی، سیاستها بر رعایت و تحکیم

آموزه‌های اسلامی، به عنوان مرکز ثقل اندیشه‌ها، استوار است، لذا روند موجود جامعه از رهگذر قدرت حاکم، در صدد تبیین و تقویت این بنیادها در پیکره جامعه بوده و از این منظر، آنها در قالب ارزشها و هنجارها تبلور می‌یابند.

بدین سان، چنین هنجارها و ارزشهایی در پیکره جامعه از رهگذر ابزارهایی که جلوه نمایان آن امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، ترغیب می‌گردند و در راستای تضمین هرچه بیشتر آنها، جامعه به ضمانت اجرایی متوسل می‌شود و از این نظر گناه، به این گزینه‌ها وصف کیفری می‌دهد و از آنها به «جرم» تعبیر می‌کند و جنبه تقنینی به آنها می‌بخشد. در این چنین وضعیتی، تا اندازه‌ای مفهوم گناه و جرم در هم ترکیب شده و آن دسته از ارزشها و هنجارهای اسلامی - اجتماعی که تعدی بدانها از منظر آموزه‌های اسلامی گناه تلقی می‌شود، از منظر مقنن کیفری نیز جرم انگاشته شده و واجد پاسخ کیفری می‌گردد.

با این بیان، جامعه برای مقابله با پدیده گناه - جرم به اتخاذ سیاستهای مناسب که گاه در گستره اجتماع اعمال می‌گردد و بعضاً در گستره نظامهای عدالت کیفری، اهتمام می‌ورزد و با هدف پیشگیری از وقوع گناه و جرم، تدابیر کیفری و غیر کیفری را وارد سیاست تقنینی اجتماعی - جنایی می‌کند.

در قلمرو سیاست جنایی اجتماعی و مرتبط با گناه، یکی از ابزارهای کارآمد برای تحقق این مهم، نهاد امر به معروف و نهی از منکر است که به واسطه نزدیکی گناه و جرم به همان اندازه که در قلمرو منع دستتازی به گناه می‌تواند مؤثر باشد، در گستره عدم وقوع بزه و بزهکاری نیز همین کاربرد را داشته و به مثابه تدبیری در وادی پیشگیری غیر کیفری یا کنشی ایفای نقش می‌کند.

در نتیجه، باید اذعان کرد که نقش پیشگیرانه این نهاد در خصوص گناه و جرم یکی از کارویژه‌های این جلوه انقلابی - اسلامی است که بایست توجه مضاعفی بدان شده و در جامعه اسلامی به مفهوم اعم و جامعه بسیج به معنای اخص به این مسئله تصریح گردد. با چنین برابندی، گزینه‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- تبیین نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از وقوع جرم در جامعه؛
- تأکید بر کاربرد پیشگیرانه امر به معروف و نهی از منکر در وادی بزهکاری در کنار گناهکاری در نهاد جامعه و بسیج؛
- ترویج و تبیین جایگاه علمی نهاد اجتماعی- اسلامی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بسیج در قیاس با آموزه‌های نوین امروزی در گستره علوم جنایی؛
- پیش بینی کارکرد پیشگیرانه امر به معروف و نهی از منکر در گستره سیاست تقنینی و فرو تقنینی مربوط به نهاد بسیج به مثابه هدف نخستین این نهاد اجتماعی- اسلامی؛
- آشنا کردن جامعه بسیج در خصوص کارویژه‌های پیشگیرانه امر به معروف و نهی از منکر با بهره‌گیری از آموزه‌های علوم جنایی و به ویژه جرم‌شناسی.

منابع

۱. اسحاقی، محمد (۱۳۸۲)؛ «رویکردی استراتژیک به پیشگیری از جرم»، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات، قوه قضاییه.
۲. تهذیب الاحکام.
۳. تیلا، پروانه (۱۳۸۴)؛ «بسط امر به معروف و نهی از منکر برای مشارکت و همبستگی ملی: نقش و ابتکار بسیج»؛ فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، ش ۲۶ (بهار).
۴. حسن زاده، حمید (۱۳۷۹)؛ «فصاحت و بلاغت ابزاری کارآمد و شیوه‌ای مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر در مرحله لسانی»، چکیده مقالات نخستین همایش پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر، تهران، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر.
۵. حکمی، سید مرتضی (۱۳۷۹)؛ «فریضه امر به معروف و نهی از منکر»، چکیده مقالات نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر، تهران، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر.
۶. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)؛ «رهیافتی نو به بنیانهای نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، سال شصت و هشتم، دوره جدید، ش ۴۸-۴۹ (پاییز و زمستان).

۷. رزن بام، دنیس (۱۳۸۲)؛ **پیشگیری وضعی از جرم**، ترجمه رضا پرویزی، مجموعه مقالات **پیشگیری از جرم**، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۸. ساعد، محمد جعفر (۱۳۸۶)؛ «**پیشگیری از وقوع جرم و کارکرد بسیج در تضمین امنیت اجتماعی**»، فصلنامه **مطالعات بسیج**، سال دهم، شماره ۳۴.
۹. صادقی، ذوالفقار (۱۳۸۰)؛ **امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه و عمل**، [بی جا]، انتشارات قراقوش.
۱۰. صفاری، علی (۱۳۸۳)؛ «**درآمدی بر جرم شناسی انتقادی و انواع آن**»، مجموعه مقالات **علوم جنایی در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری**، تهران، سمت.
۱۱. علیزاده، مهدی (۱۳۸۲)؛ **نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری**، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم رضوی.
۱۲. قربانی لاهیجی، زین العابدین (۱۳۷۹)؛ **فرضیه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و سنت**، قم، الهادی.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)؛ **مقدمه علم حقوق**، تهران، برنا.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)؛ «**امر به معروف و نهی از منکر یا عامل انقلاب فرهنگی و سیاسی**»، به **سوی عدالت**، تهران، داد گستر.
۱۵. کاری یو، روبیر (۱۳۸۱)؛ «**مداخله روان شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه**»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۶-۳۵.
۱۶. گسن، ریموند (۱۳۷۰)؛ **جرم شناسی کاربردی**، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، نشر مترجم.
۱۷. گسن، ریموند (۱۳۸۵)؛ **جرم شناسی نظری**، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۸. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)؛ **درآمدی به سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان.

۱۹. مارتی، می‌ری دلماس (۱۳۸۲)؛ **نظامهای بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
۲۰. میر محمد صادقی، حسین [بی‌تا]، «ملاحظات در موضوع پیشگیری از جرم»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۳۶-۳۵.
۲۱. **میزگرد پیشگیری از جرم در حقوق کنونی ایران (۱۳۸۳)**؛ *مجله حقوقی دادگستری*، سال شصت و هشتم، دوره جدید، ش ۴۹-۴۸.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵)؛ «**پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی**»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶-۲۵.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)؛ **تقریرات مباحثی در علوم جنایی**، درس جرم‌شناسی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰)؛ **تقریرات درس جرم‌شناسی**، *مجله تحقیقات حقوقی*، کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱)؛ **تقریرات مباحثی در علوم جنایی**، درس جرم‌شناسی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)؛ **پیشگیری عادلانه از جرم**، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، انتشارات سمت.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)؛ **مباحثی در علوم جنایی (تقریرات) و پیشگیری از جرم**، به کوشش مهرداد رایجیان اصلی و شهرام ابراهیمی، تهران، [بی‌تا].
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸)؛ **تقریرات مباحثی در علوم جنایی**، درس جرم‌شناسی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۹. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۴)؛ **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۰. **وسائل الشیعه**.